

نگاهی به سریال شبکه خانگی «بی‌گناه»

به بهانه پایان پخش سریال شبکه خانگی «بی‌گناه» نگاهی به این اثر داریم.

به گزارش سایت خبری پرسون، با پخش بیست و سومین قسمت بی‌گناه در پلتفرم فیلیمو، پرونده این سریال بسته شد. بی‌گناه دومین تجربه مصطفی کیایی در شبکه خانگی بعد از همگناه است که این بار او در مقام تهیه کننده و بازنویس نهایی فیلمنامه با پروژه همکاری داشت و مهران احمدی آن را کارگردانی کرد. محسن کیایی علاوه بر بازی در نقش بهمن، سرپرست نویسندگان نیز بود. عماد رضایی نیک و رضا علیپور مسئولیت نگارش فیلمنامه را برعهده داشتند. در ادامه با نقد این سریال همراه ما باشید.

قصه چه بود؟

داستان سریال بی‌گناه با مرگ مشکوک همسر فروغ (با بازی منوچهر زنده‌دل) شروع شد. در ادامه مخاطب پی به موقعیت شخصیت‌های مختلف در داستان برد و فهمید پدربزرگ ممتول خانواده (رشید با بازی مسعود رایگان) گذشته‌ای رمزآلود دارد.

در این میان ماجرای عشق نافرجام بهمن (محسن کیایی) و فروغ (شبنم مقدمی) به عنوان یکی از خطوط محوری سریال پیش رفت. در بی‌گناه داستان‌های دیگری هم روایت شد؛ از جمله عشق عجیب دختر رشید (هدیه بازوند) به استاد مشهور و سالخورده (آتیال پسیانی)، مصائب دیگر دختر رشید (نسرین نصرتی) با همسرش (مهران احمدی) به همراه خرده روایت‌هایی دیگر. سریال به اندازه کافی قصه داشت و به همین خاطر مخاطب می‌توانست با بی‌گناه همراه شود. البته نویسنده و کارگردان، داستان را آرام آرام و با حوصله تعریف کردند و چه بسا این شیوه مطلوب طیفی از مخاطبانی که عادت به ریتم تند کرده‌اند، نباشد.

چه رویکردی داشت؟

در نگاه اول، بیگناه سریالی است که داستانی امروزی را با ارجاع به گذشته برخی شخصیت‌ها تعریف می‌کند. بعد از چند قسمت اما مشخص شد که سازندگان صرفاً دنبال سرگرمی نبوده‌اند. هرچه قصه جلو آمد، لایه‌های زیرین، بیشتر خود را نشان داد. مثال مفهوم عقوبت کار در قسمت‌های آخر مسئله محوری بود؛ جایی که مشخص شد رشید چوب تصمیمی نابخردانه را خورده و به دلیل طمع، زندگی مرفه‌اش چیزی جز کابوس نبوده است.

نمایش یک زندگی از هم‌گسیخته (مهران احمدی و نسرین نصرتی) اهمیت فهم مشترک زوجین از شرایط یکدیگر را یادآور شد که خب این مفهوم شبیه سریال‌های عمدتاً شعاری تلویزیونی نبود و مخاطب می‌توانست دغدغه مطرح شده را لمس کند. بیگناه به مسئله فراگیر شده سال‌های اخیر یعنی جنبش «می‌تو» هم ورود کرد؛ در عین حال تاکید کرد که نباید گول قضاوت‌های فضای مجازی را خورد. در قسمت آخر اما برگه دیگر از سوی استاد (آتیلا پسیانی) رو شد که خب شاید دوست داشته باشید خودتان ماجرا را در سریال ببینید! سازندگان بی‌گناه شمایی باورپذیر از جوان‌های امروز و دغدغه آن‌ها ترسیم کردند. مثال مادر خانواده (نسرین نصرتی) نمی‌توانست هضم کند که پسرش می‌تواند با یک دختر رابطه‌ای درست و قاعده‌مند داشته باشد! این اما واقعیت امروز جامعه است و سریال آینه‌ای دست گرفت و بخشی از آن را پیش چشم مخاطب قرار داد. بی‌گناه همچنین قصه عشق‌های نافرجام است که بیش از همه در رابطه بهمن و فروغ تجلی یافت. ساترا چندی پیش خواهان شفاف‌سازی این رابطه شده بود و برخی دلدادگی یک زن و مرد که نسبت خونی با هم دارند و خود بی‌اطالع هستند را عجیب دانستند. بی‌گناه اما می‌خواست اثرات سوء پنهان‌کاری و مصلحت‌اندیشی خودخواهانه و عواقب تلخ آن را یادآور شود. براساس نظرات مخاطبان، تنها نقطه مغفول قسمت آخر، سرنوشت بهمن است که به درستی باز نشده.

بازیگران چه کردند؟

بیگناه جزو سریال‌های پربازیرگ خانگی است که غالب آن‌ها عملکردی قابل قبول داشتند. خاصه نسرین نصرتی که توانست رویی دیگر از توانایی خود را نشان دهد و شخصیت یک مادر نگران را به خوبی به تصویر بکشد. مهران احمدی در نقش همسر او نیز رفتاری درست و باورپذیر داشت.

شبنم مقدمی و ویشکا آسایش از پس نمایش لحظات احساسی سریال برآمدند. محسن کیایی شمایی باورپذیر از مردی فرو ریخته را نشان داد؛ هرچند می‌شد بازیرگ دیگری را انتخاب کرد و برای هم‌خوان کردن سن او با شخصیت بهمن، متوسل به گریم نشد. اتفاق مهم بی‌گناه در بخش بازیگران جوان و تازه نفس رخ داد که مخاطبان شاهد بازی‌های خوب و شخصیت‌های ملموس از باران احمدی، احسان معجونی، یگانه رادبخش و... بودند.

عملکرد کارگردان چطور بود؟

مهران احمدی پیش از بی‌گناه تجربه کارگردانی فیلم‌های مصادره و سگ‌بند را در کارنامه داشت که به خاطر اولی تحسین منتقدان را نیز به

خود دید. او در بی‌گناه نشان داد مختصات سریال‌سازی را می‌داند و با خلق فضایی باورپذیر و شخصیت‌های همراهی‌برانگیز از آزمون سریال‌سازی هم موفق بیرون آمد. میزان رضایت ۹۶درصدی کاربران فیلمو و نیز کامنت‌های تحسین‌آمیز آن‌ها گواهی است بر موفقیت بی‌گناه با همه ضعف‌هایی که می‌توان به آن وارد کرد.

منبع: هفت صبح